

راه‌های مستقیم اثبات هلال

○ خالد غفوری *

چکیده

محور بحث این مقاله بررسی راه‌های شرعی اثبات هلال است، پس از تعریف پدیده هلال طبیعی و چگونگی تکوین آن و گزارشی از چگونگی طرح مسئله در متون فقهی، در دو جهت به بحث پرداخته شده است: جهت اول: تشخیص موضوع حکم رؤیت هلال و جهت دوم بررسی راه‌های مستقیم (حسی) رؤیت هلال بر اساس ادلة عام و ادلة خاص.

کلید واژگان: هلال طبیعی - رؤیت، چشم مسلح، رؤیت موضوعی - رؤیت طریقی.

مقدمه

مسئله اثبات هلال، همچنان از مسائل جدل انگیز میان مسلمانان در مذاهب فقهی مختلف است. این بحث به محافل تخصصی محدود نمانده، بلکه به سطح جامعه کشیده شده و نمود آن میان عموم مؤمنان، هر ساله در ماه های رمضان و ذی الحجه مشهود است و آثار مهمی در جامعه اسلامی بر جا می گذارد.

ریشه های تاریخی این بحث به گذشته های دور باز می گردد. از آیه شریفه «يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ»^۱ برمی آید که این موضوع از همان اوایل اسلام نیز همواره مورد سؤال مردم بوده است. مفاد پاسخ قرآن که حکمت «اهله» را تنظیم جدول زمانی برای برنامه ریزی مردم در زندگی شخصی و شرعی آنان بیان می کند حکایت از قدمت این مسئله دارد.

با نگاهی گذرا به مجموعه احکام شرعی، در می یابیم که بخشی از آنها به گونه ای با عنصر زمان مرتبط شده است، مثلاً زمان و جوب فریضه نماز به حرکت زمین به دور خورشید مرتبط است. خداوند در آیه شریفه می فرماید:

اقِمِ الصَّلَاةَ لِلدُّلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ؛^۲

نماز را هنگامی که خورشید از وسط آسمان می گذرد تا آنگاه که تاریکی شب به نهایت می رسد برپا دار، و نماز صبح را نیز هنگام طلوع فجر به جا آور.

همان گونه که روزه نیز به ظرف زمانی خاصی مقید شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ... أَيَّاماً مَعْدُودَاتٍ... شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ... فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَكَتَمَلُوا

۱. بقره، آیه ۱۸۹.

۲. اسراء، آیه ۷۸.

الْعِدَّةُ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^۳

ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه بر شما مقرر شده است... روزهای معدود باید روزه بدارید... ایام روزه واجب، ماه رمضان است؛ ماهی که قرآن در آن فرو فرستاده شد... پس هر کس از شما این ماه را دریابد، باید آن را روزه بدارد؛ و هر کس بیمار یا در سفر باشد، روزه شماری از روزهای دیگر برعهده اوست. خداوند برای شما آسانی می‌خواهد و دشواری برای شما نمی‌خواهد. این است که بر بیماران و مسافران شما روزه را واجب نکرد و قضای روزه را از آن روی بر شما واجب کرده است که تعداد روزهای ماه رمضان را کامل کنید. آری، خدا روزه را بر شما مقرر داشت تا او را به پاس اینکه هدایتان کرده است به بزرگی یاد کنید و باشد که شکر هدایتش را به جای آورید.

همین طور انجام مناسک حج، مشروط به روزهای مشخصی از سال است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «الْحَجَّ أَشْهَرٌ مَّعْلُومَاتٌ؛ موسم حج ماه‌هایی معین است».^۴ این گونه عبادات اصلی در اسلام به گونه‌ای تشریح شده‌اند که به جای آوردن آنها منوط به وقت است.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، قرآن کریم به این بیان اجمالی اکتفا کرده و کیفیت احراز ماه را بیان نکرده است؛ ولی از میراث حدیثی پیامبر و اهل بیت اطهرش سخنان زیادی در این باره، از جهات متعدد و به گونه‌های مختلف به ما رسیده است، که از جمله این حدیث پیامبر(ص) که فرمود: «صوموا لرؤیته، وافطروا لرؤیته، فإن غبی [= غمی] علیکم فاکملوا عدّة شعبان ثلاثین؛ با رؤیت هلال روزه بدارید و با رؤیت هلال افطار کنید، پس اگر هلال بر شما پوشیده ماند،

۳. بقره، آیه ۱۸۳-۱۸۵.

۴. بقره، آیه ۱۹۷.

شعبان را به سی روز تمام کنید».^۵ همچنین در کتاب علی (ع) آمده است:

صم لرؤیته، وافطر لرؤیته؛^۶

با رؤیت هلال روزه بدار و با رؤیت هلال افطار کن.

فقها پس از بررسی دقیق براساس استظهار خود از آنها، فتوا داده اند. از این رو، آرای آنان در این مسئله - هم در نظر روش و هم در نتیجه - یکسان نیست؛ همچنین در بحث وحدت افق یا تعدد آفاق، کفایت رؤیت با چشم مسلح، اشتراط رؤیت حسی و کفایت نکردن حدس و حساب و

چگونگی تکوین پدیده طبیعی هلال

۱. تکوین ماه قمری، محصول حرکت های سه کره ماه و زمین و خورشید است. ماه به طور کلی دو حرکت دارد: در حرکت اول هر روز به دور خود، و در حرکت دوم به دور زمین در مداری تقریباً ثابت می گردد. حرکت دوم که از سمت مغرب به سمت مشرق صورت می گیرد، عامل اصلی تشکیل دهنده ماه قمری است.

۲. ماه فی نفسه سیاره ای بی نور است و قابلیت انعکاس نور خورشید را دارد. همچنین به علت کروی بودنش همواره همه جهات آن روشن نیست؛ بلکه فقط سمت مقابل خورشید، یعنی تقریباً نصف آن روشن و نصف دیگر آن تاریک است و قابل مشاهده نیست.

اما از زاویه دید کسی که از زمین به ماه می نگرد، کره ماه در مراحل سیر خود، به شکل های مختلفی دیده می شود. اگر ماه بین زمین و خورشید قرار بگیرد، با

۵. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۲۹؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۴؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۴۲۲.

۶. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۵، باب ۳ از ابواب احکام ماه رمضان، ح ۱۱.

صورت تیره آن روبه رو می‌شویم که بدان، حالت محاق یا اقتران گفته می‌شود و در اواخر ماه قمری اتفاق می‌افتد. اگر زمین بین ماه و خورشید قرار بگیرد، با صورت کامل و نورانی آن روبه‌رو می‌شویم که به این حالت بدر گفته می‌شود و در اواسط ماه قمری اتفاق می‌افتد. در میان دو وضعیت یاد شده، در یک چهارم نخست در آخر هفته اول و آغاز هفته دوم از ماه، همچنین در یک چهارم پایانی در انتهای هفته سوم آغاز هفته چهارم، ماه به صورت هلال دیده می‌شود. شکل‌های کره‌ماه این گونه به طور متوالی در هر ماه قمری مشاهده می‌گردد.^۷ بخش روشن سطح ماه، به طور دقیق ۱۸۰ درجه نیست، بلکه کمی بیشتر است.

۳. میانگین مدت گردش ماه به دور زمین ۵۳ / ۲۹ روز است؛ یعنی معادل ۲۹ روز و کمی بیش از نصف یک روز؛ که به آن ماه اقترانی یا اصطلاحی اطلاق می‌شود و همان ماه عرفی مورد بحث ماست.

اگر گردش ماه را از نقطه‌ای معین در فضا در نظر بگیریم، این دوره در زمین کمتر است. پس اگر از نقطه فرضی، شروع به حرکت کند، تا به همان نقطه بازگردد ۲۷ روز و یک چهارم روز طول می‌کشد.

۴. مقدار منور ماه، همواره تقریباً نصف کره ماه است، ولی ما آن را در اواسط ماه به صورت دایره کامل می‌بینیم. سپس شروع به پنهان شدن می‌کند، تا جایی که در اواخر ماه زیر شعاع نور خورشید قرار می‌گیرد و قابل رؤیت نیست. در ادامه، بار دیگر در زمان خروجش از خط مقارن متولد شده، به صورت هلال دیده می‌شود و هر شب بزرگ‌تر می‌گردد. علت این پدیده، حرکت ماه نسبت به زمین و اختلاف زاویه دید مشاهده‌گر از زمین است.

۵. خروج ماه از تاریکی و از خط مقارن را در عرف، تولد هلال گویند. این تولد در ابتدا با وسایل جدید و تلسکوپ‌های قوی نیز دیده نمی‌شود، چه رسد به ۷. عجیری، دورة الهلال، ص ۲۵ و ما بعد آن.

چشم غیر مسلح . سپس بعد از حدود یک ساعت و پنجاه دقیقه، مساحت قسمت منور رو به فزونی می‌گذارد و به تدریج از شعاع خورشید فاصله می‌گیرد. در این حالت، از زاویه دید بیننده در زمین، نور خورشید به مقدار بسیار کم، تقریباً یک درجه بر آن می‌تابد که با وسایل جدید و تلسکوپ قابل رؤیت است. سپس کم‌کم از شعاع خورشید بیشتر فاصله گرفته، چند ساعت بعد از تولدش، با چشم غیر مسلح دیده می‌شود.

به عبارت دیگر، هلال بعد از خروجش از تاریکی، سه مرحله را می‌گذراند تا با چشم غیر مسلح دیده شود.

چگونگی طرح مسئله در متون فقهی

با مرور اجمالی بحث هلال و راه‌های اثبات آن در کتب فقهی، متوجه فنی نبودن تبویب و تفریع این بحث می‌شویم.

الف) برخی - چون صاحب عروه - راه‌های اصلی اثبات هلال را این گونه برشمرده‌اند:

اول: رؤیت خود مکلف؛

دوم: تواتر؛

سوم: شیوع مفید علم؛ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چهارم: گذشت سی روز از هلال ماه قبل؛

پنجم: بینة شرعی (شهادت عدلین)؛

ششم: حکم حاکم.

سپس به طرح راه‌های فرعی و مسائلی مانند وحدت یا تعدد افق پرداخته‌اند.^۸

ب) برخی دیگر، راه‌های اثبات هلال را با اصلاحاتی، این گونه برشمرده‌اند:

۸. طباطبایی یزدی، عروة الوثقی، ج ۳، ص ۶۲۸ به بعد.

اول: علم حاصل از رؤیت و تواتر و ... ؛

دوم: اطمینان حاصل از شیوع و ... ؛

سوم: گذشت سی روز از ماه قبل؛

چهارم: شهادت عدلین؛

پنجم: حکم حاکم^۹.

ج) گروه سوم، بحث را این‌گونه ترتیب بخشیده‌اند:

اول: علم حاصل از رؤیت یا تواتر یا شیوع یا گذشت سی روز از ماه قبل؛

دوم: شهادت عدلین؛

سوم: رؤیت پیش از زوال^{۱۰}.

د) گروه چهارم این‌گونه بیان کرده‌اند:

اول: علم وجدانی با رؤیت چشم غیر مسلح یا با تواتر؛

دوم: اطمینان حاصل از شیوع؛

سوم: گذشت سی روز از ماه قبل؛

چهارم: بینة؛

پنجم: حکم حاکم^{۱۱}.

ه) گروه پنجم با تغییر اساسی در روش، مسئله را در دو مرحله بررسی

کرده‌اند:

مرحله اول: تشخیص موضوع حکم شرعی و اینکه هلال شرعی متوقف بر دو

امر است:

امر اول: خروج ماه از تاریکی و مواجهه جزئی از نصف منیرش با زمین؛

۹. خوئی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۷۸ به بعد.

۱۰. حکیم، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۳۴۶ به بعد.

۱۱. فیاض، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۴۱۷ به بعد.

امر دوم: امکان رؤیت این جزء با چشم غیر مسلح.

در ضمن امر دوم به بررسی وحدت و تعدد آفاق پرداخته اند.

مرحله دوم: تشخیص راه های اثبات هلال شرعی

اول: رؤیت مستقیم با چشم غیر مسلح؛

دوم: شهادت دیگران به رؤیت؛

سوم: گذشت سی روز از ماه قبل؛

چهارم: حکم حاکم؛

پنجم: هر راه علمی اطمینان بخشی که امکان رؤیت را فراهم سازد.^{۱۲}

برای تبویب منطقی بحث، لازم است فصل های آن را این گونه تنظیم کنیم:

اولاً: بحث در تشخیص موضوع حکم شرعی که برخی احکام همچون روزه یا افطار و ... بر آن مترتب است. آیا موضوع این احکام همان هلال طبیعی متولد شده است یا هلال قابل رؤیت؟ آیا هلال در سرتاسر دنیا واحد است یا اینکه هر منطقه ای هلالی دارد؟

ثانیاً: برای اثبات هلالی که موضوع حکم شرعی است، آیا راه های خاص شرعی وجود دارد، یا اینکه هلال از هر راه ثابت شود کافی است؟

ثالثاً: این راه ها، خود به دو بخش تقسیم می شود:

بخش اول: راه های مستقیم؛ آیا شارع راه های معینی برای اثبات هلال

همچون رؤیت با چشم یا غیره را شرط کرده است؟

بخش دوم: راه های غیر مستقیم؛ آیا اثبات غیر مستقیم هلال از هر راهی

معتبر است یا اینکه شارع راه های خاصی را معین کرده است؛ مثلاً آیا با خبر واحد

ثقه، ثابت می شود یا ناگزیر از بینه (شهادت دو عادل) است؟

بعد از این بیان اساسی در شیوه تنظیم و تبویب بحث، بررسی جهات یاد شده

۱۲. صدر، فتاوی الواضحه، ج ۱، ص ۶۲۸ به بعد.

را بر اساس ادله خاص و نیز ادله و قواعد عام، در دو جهت پی می‌گیریم:

جهت اول: بحث در تشخیص موضوع حکم

از نظر عقلانی سه احتمال وجود دارد:

احتمال اول: موضوع حکم، همان هلال طبیعی است که در پی گردش ۲۷ روزه کره ماه به دور زمین شکل می‌گیرد. ماه قمری در اولین لحظه خروج کره ماه از تحت الشعاع خورشید آغاز می‌شود.

احتمال دوم: موضوع حکم، هلال عرفی یا اصطلاحی، یعنی حالت نورانی ماه بعد از خروج از تاریکی است. بدیهی است که این حالت، بی‌درنگ پس از خروج ماه از تاریکی صورت نمی‌گیرد، بلکه بعد از گذشت حدود یک ساعت و پنجاه دقیقه از تولد طبیعی ماه، با تلسکوپ بعد از حدود سیزده ساعت با چشم غیر مسلح دیده می‌شود.

دلیل این احتمال آن است که: اولاً: هلال در لغت و عرف، آن بخش نورانی از کره ماه است که بعد از خروج از محاق دیده می‌شود و شارع اصطلاح خاصی را وضع نکرده است.

ثانیاً: نصوص شرعی - کتاب و سنت - هلال را در همان مفهوم عرفی به کار برده‌اند.^{۱۳}

در آیه شریفه آمده است: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ...»^{۱۴}؛ عبارت «أهله» (زمان‌هایی برای مردم) کاشف از اراده اهله متعارف میان مردم در همه ماه‌هاست، یعنی هلال اصطلاحی که در مقدمه بیان شده. بنابراین، منظور شارع، هلال خاصی نیست که غیر متعارف نزد مردم باشد. اگر

۱۳. بقره، آیه ۱۸۹.

۱۴. همان.

اصطلاح خاصی را در نظر داشت، به صراحت آن را بیان یا به آن اشاره می‌کرد.

از امام صادق(ع) در باره اهله پرسیدند، حضرت فرمودند:

هي أهلة الشهور، فإذا رأيت الهلال فصم، وإذا رأته فافطر؛

همان تعداد ماه هاست، هرگاه هلال را مشاهده کردی روزه دار و اگر آن را

دیدي افطار کن. ۱۵

احتمال سوم: موضوع، مرکب از هلال خارجی مقید به رؤیت است.

در آینده، در باره اینکه مراد از رؤیت، موضوعی است یا طریقی، بحث

خواهد شد.

در پاسخ احتمال اول باید گفت:

۱. هلال پدیده طبیعی واقعی است و مسئله ای اعتباری نیست که بتوان امکان

و امتناعی برایش فرض کرد، چه مکلف از آن آگاه شود، چه نشود.

۲. اگر موضوع همان هلال طبیعی باشد، خطاب شرعی خطابي غیر عرفی

می‌نماید و مخاطب آن فقط متخصصان علم نجوم است که این پدیده را می‌فهمند.

جهت دوم: تشخیص راه‌های مستقیم اثبات هلال

چنان که در روایات آمده، راه مستقیم اثبات هلال، رؤیت است. رؤیت از دو

لحاظ جای بحث و بررسی دارد: انسانی و مطالعات فزنی

لحاظ اول: مراد از رؤیت چیست؟

از نظر عقلایی دو احتمال در مورد روایت وجود دارد:

احتمال اول: مراد، رؤیت با چشم غیر مسلح است؛ در روایات این باب که

۱۵. حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص ۲۵۲، باب ۳ از ابواب احکام شهر رمضان، ح ۱،

و ص ۲۵۴، ح ۷.

عنوان رؤیت برای اثبات هلال آمده است، ظاهر اولیه روایات منصرف به رؤیت عرفی است، همان گونه که در سایر عناوین به کار رفته در ادله شرع این گونه است. احتمال دوم: مراد، رؤیت، چه با چشم مسلح و چه با غیر مسلح است. منظور از چشم مسلح استفاده از وسایلی چون دوربین و تلسکوپ است. دلیل این احتمال آن است که روایات رؤیت، اطلاق دارند و به نوع خاصی از رؤیت به وسیله خاص، مقید نیستند.

در پاسخ احتمال اول گفته می‌شود:

۱. انصراف روایات به رؤیت عرفی، به دلیل غلبه وجود این رؤیت در آن زمان است. اگر انصراف ناشی از غلبه استعمال لفظ در معنای موضوع له لفظ باشد، معتبر است.

۲. میان بحث مفهومی و مصداقی فرق است. در بحث مفهومی گفته می‌شود معمولاً عناوین وارد در ادله شرع، حمل بر معنای عرفی آن می‌شود، ولی در بحث مصداقی این گونه نیست و گرنه هیچ اطلاقی باقی نمی‌ماند. چنانکه از آیه شریفه: «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به تمام پیمان‌ها و قراردادهای خود وفا کنید»^{۱۶} برای اثبات مشروعیت عقود مستحدثه استفاده می‌شود، نه وجوب وفای به آن.

در بحث ما، رؤیت گاهی مفهومی است؛ در این صورت می‌گوییم مراد از آن معنای عرفی است و آن رؤیت شیء خارجی با چشم است، نه رؤیت قلبی یا رؤیت در خواب و در عالم خیال. اما در رؤیت مصداقی، همه مصادیق رؤیت، داخل در عنوان و مشمول دلیل است، چه با چشم طبیعی مجرد باشد یا با استفاده از عینک معمولی یا با تلسکوپ، همگی مصادیق رؤیتند. هر کس هلال را به چشمش ببیند، دیدن بر آن صدق می‌کند و آن که با تلسکوپ ببیند نیز دیدن بر آن صدق می‌کند.

۱۶. مائده، آیه ۱.

توضیحات

۱. بر اساس احتمال اول، بین بیننده با چشم مجرد تیزبین و بیننده با چشم عادی، برای صدق عنوان رؤیت عرفی تفاوتی وجود ندارد.

۲. این اشکال بر احتمال اول، با توجه به درستی استناد رؤیت با تلسکوپ به بیننده وارد نیست؛ زیرا احتمال اول مبتنی بر استناد نیست تا با این اشکال، نقض شود. ۱۷.

۳. اشکالی که بر احتمال دوم وارد شده نیز صحیح نیست؛ زیرا اگر شخصی بعد از وضو، با میکروسکوپ ببیند که به نقطه ای آب نرسیده است، لازمه آن حکم به بطلان وضو است در حالی که دلیل وضو در آیه شریفه «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ»^{۱۸} عنوان شستن است نه دیدن که بدان نقض شود و مراد از عنوان غسل، همان شستشوی عرفی است که حتی با شسته نشدن قسمتی از بدن که با چشم مجرد، دیده نمی شود نیز محقق است.

لحاظ دوم: رؤیت، موضوعی است یا طریقی؟

احتمال اول: رؤیت، موضوعی است؛ یعنی هلال شرعی فقط و فقط با رؤیت اثبات می شود. برخی موضوع مرکب «هلال خارجی مقید به رؤیت» را موضوع تحقق ماه قمری شمرده اند.

کاربرد لفظ رؤیت در روایات این باب مؤید همین برداشت است:

۱. حدیث نبوی «صوموا لرؤیته، وافطروا لرؤیته، فإن غبى [= غمى] علیکم فاکملوا عدّة شعبان ثلاثین؛ با رؤیت هلال روزه دارید، و با رؤیتش افطار کنید و

۱۷. فاضل لنکرانی، «اعتبار الأجهزة الحديثة في رؤية الهلال».

۱۸. مائده، آیه ۶.

اگر بر شما پوشیده ماند، شعبان را با سی روز تکمیل کنید»^{۱۹}.

۲. حدیث نبوی: «لا تصوموا حتی تروا الهلال، ولا تفطروا حتی تروه، فإن غمّ علیکم فاقدروا له؛ روزه نگیرید تا اینکه هلال را ببینید، و افطار نکنید تا اینکه آن را ببینید، و اگر بر شما پوشیده ماند پس آن را تقدیر بگیرید»^{۲۰}.

۳. محمد بن مسلم از امام صادق(ع) روایت کرده است:

إذا رأيتم الهلال فصوموا، وإذا رأيتموه فافطروا، وليس بالرأي ولا بالتظني،

ولكن بالرؤية؛^{۲۱}

اگر هلال را رؤیت کردید روزه بگیرید یا افطار کنید، نه با رأی است و نه با

گمانه زنی بلکه با رؤیت است.

۴. از سماعه روایت شده است:

صيام شهر رمضان بالرؤية، وليس بالظنّ...؛^{۲۲}

روزه ماه رمضان با رؤیت هلال است نه باظن.

۵. اسحاق بن عمار از امام صادق(ع) روایت کرده است:

في كتاب علي(ع): صم لرؤيته، وافطر لرؤيته، وإيّاك والشكّ والظنّ...؛^{۲۳}

در کتاب علی(ع) آمده است: با دیدن هلال روزه دار و با دیدنش افطار کن و

از شک و ظن روی گردان باش.

۶. امام صادق(ع)، در پاسخ به سؤال از اهله فرمودند:

۱۹. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۲۹؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۴؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۰. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۲۹؛ صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۲۲؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۶۳.

۲۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۲، ب ۳ از احکام ماه رمضان، ح ۲.

۲۲. همان، ص ۲۵۳، ب ۳ از احکام ماه رمضان، ح ۶.

۲۳. همان، ص ۲۵۵، ب ۳ از احکام ماه رمضان، ح ۱۱.

هي أهلة الشهور، فإذا رأيت الهلال فصم، وإذا رأيت فافطر؛^{۲۴}
همان هلال های ماه است؛ اگر هلال را دیدی روزه بگیر و اگر آن را دیدی
افطار کن.

۷. ابی ایوب ابراهیم بن عثمان خزاز از امام صادق(ع) نقل کرده است که فرمودند:

إن شهر رمضان فريضة من فرائض الله فلا تؤدوا بالتظني؛^{۲۵}

ماه رمضان فريضة ای از فرائض الهی است که با تظنی از بین نمی رود.

احتمال دوم: رؤیت به صورت طریقت به کار رفته است. دو استدلال برای

این احتمال وجود دارد:

اولاً: مفهوم عرفی رؤیت در مثل چنین مواردی طریقت است، مثلاً منظور
عرف از این عبارت «اگر فقیری را دیدی به او کمک کن»، خصوص رؤیت نیست،
بلکه اگر صدایش را بشنود، بدون اینکه او را با چشم ببیند، باز باید به او کمک
کرد. بدون شک مراد عرف لزوم اعطا به فقیر است به هر صورتی که علم به وجود
او پیدا کند، چه از راه رؤیت یا از راه های دیگر.

بله، چنانچه گفته شود اگر فلان فیلم را دیدی، چشمت را از صفحه تلویزیون
دور کن، خصوص رؤیت فیلم فهمیده می شود، لذا اگر صدایش را بشنود بدون

۲۴. همان، ص ۲۵۲، ب ۳ از احکام ماه رمضان، ح ۱، و نیز، ص ۲۵۴، ح ۷.

۲۵. همان، ص ۲۵۶، ب ۳ از احکام ماه رمضان، ح ۱۶.

به گفته بنده: بر هر که احادیث منقوله از ائمه اهل بیت(ع) را ملاحظه نماید روشن می شود
که با آنچه از پیامبر(ص) نقل شده وحدت وجود دارد، و احادیث از نظر محتوی بیگانه نبوده
البته با تذکر دو نکته:

نکته اول: برخی اختلافات ساده در بعضی الفاظ وجود دارد.

نکته دوم: نفی راه های غیر علمی.

بنابراین، روشن است که منحصر شدن بحث در حوزه مذهبی ضرورت نداشته، بلکه
می توان بحث را در افقی مناسب تر که با همه مذاهب اسلامی منسجم باشد مطرح نمود؛ با
توجه به نص قرآنی و حدیث نبوی با عملیات استدلالی.

اینکه آن را ببیند، حکم به لزوم دوری از تلویزیون نمی شود.

ثانیاً: دلالت دیگر روایات؛ از قبیل:

الف) گذشت سی روز از ماه پیش، در این صورت هلال در شب بعد، هر چند رؤیت نشود، اثبات می شود.

ب) اگر ماه قبلی ۲۹ روزه باشد، در این صورت نیز هلال هر چند رؤیت نشود، اثبات می شود.

براین اساس معلوم می شود که مسئله، دایر مدار رؤیت و خصوصیاتش نیست، بلکه هر راهی که کاشف از اثبات هلال باشد، کافی است.

احتمال دوم صحیح است. در پاسخ به احتمال اول می گوئیم:

۱. مراد از عنوان رؤیتی که در روایات آمده است، به هیچ وجه تقیید نیست بلکه غرض از آن ارشاد به راه هایی است که مفید احراز هلال و ترك راه های وهمی است. تأکید بر عنوان «رؤیت» در احادیث و تکرار آن، به منظور بیان اطمینان قطعی به راه های معتبر در نظر عقلا در مقابل ظن است.

۲. عدم استفاده الفاظی که صراحت بیشتری، در اراده مطلق راه های کاشف از اثبات هلال دارد، نافی ظهور رؤیت مورد ادعا نیست.

۳- سخن اهل لغت در باره «رؤیت هلال توسط مردم»، قیدی بر آن به شمار نمی آید، بلکه این عبارت به دلیل حالت غالب در آن زمان بوده است؛ چنان که مردم آن دوران به آغاز ماه ها توجه داشته، به دلیل شرایط زندگی و عقیدتی اهمیت زیادی به آن می دادند.

۴. در عرف میان روایت: «صم لرؤیته، وافطر لرؤیته»^{۲۶} و آیه شریفه: «أَقِمِ

الصَّلَاةَ لِلدُّوْكَ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ؛ نماز را هنگامی که خورشید از وسط آسمان می گذرد تا آنگاه که تاریکی شب به نهایت می رسد برپا دار، و نماز

۲۶. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۵، ب ۳ از احکام ماه رمضان، ح ۱۱.

صبح را نیز هنگام طلوع فجر به جای آور^{۲۷} تفاوتی نیست؛ چنان که بنای عقلا بر تحقق زوال شمس یا طلوع فجر واقعی است، حتی با امکان پذیر نبودن رؤیت مثل وقتی که آسمان ابری یا مه آلود باشد؛ زیرا واقعه خارجی زوال یا طلوع ملاک است و حتی احتمال نداده اند که موضوع وقت نماز، مرکب از تحقق پدیده طبیعی با امکان رؤیت باشد.

بنابر تعبیر روایات از عنوان «رؤیت» که کاشف از وجود هلال در خارج - هلال طبیعی - است، هلال را نمی توان احساس یا کشف کرد؛ چنان که وقتی پیامبر (ص) می فرماید: صلّوا كما رأيتُموني أصليّ؛ همان گونه که مشاهده کردید من نماز گزاردم، نماز به جا آورید^{۲۸}؛ نمی خواهند رؤیت را جزئی از موضوع یا قیدی در حکم قرار دهند؛ بلکه مراد به جا آوردن نماز همانند نماز ایشان است. عرف در اینجا هرگز به عنوان «رؤیت» توجه نمی کند، حتی احتمال ناچیز دخالت آن را نیز نمی دهد.

همچنین روایاتی که از رؤیت سخن می گویند، از پیروی راه های وهمی نهی می کنند؛ چنان که حضرت صادق (ع) می فرماید:

إن شهر رمضان فريضة من فرائض الله فلا تؤدوا بالتظنيّ؛

ماه رمضان فريضة ای از فرائض الهی است آن را با گمان به جا نیاورید.^{۲۹}

در عرف مخاطبان نبودن راهی جز رؤیت، بر تعیین مراد از لفظ، چه مثبت و چه منفی تأثیری ندارد؛ چنان که در گذشته، متعارف بوده اطمینان به استفاده از وسایل ابتدایی و غیر دقیق در تعیین جهت قبله، در حالی که امروزه برای این کار

۲۷. اسراء، آیه ۷۸.

۲۸. إحسانی، عوالي اللثالی، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۸؛ همان، ج ۳، ص ۸۵، ح ۷۶؛ شافعی، مستند، ص ۵۵؛ السنن الکبری، بیهقی، ج ۲، ص ۳۴۵.

۲۹. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۶، باب ۳ از احکام ماه رمضان، ح ۱۶.

وسایل دقیقی وجود دارد. این موضوع، مفهوم قبله و جهت آن را کم و زیاد نمی‌کند و با وجود تفاوت زیاد در نتیجه که حاصل تفاوت دقت وسایل و راه‌های کشف موضوع حکم شرعی است در تشخیص منظور از استقبال قبله تأثیری ندارد.

۵. با عدم صحت قول تقييد حکم روزه به رؤیت و تقييد موضوع روشن شدن که خلاف عرف وارد در ادله است.

۶. وجود قدر متيقن، منافی حجیت ظهور نیست و تمسک بدان را باطل نمی‌کند. بسنده کردن به قدر متيقن گاهی به این دلیل است که در مواردی چون اجمال برای تعیین مراد راهی در دست نداریم.

لحاظ سوم: رابطه‌ی طریق بودن رؤیت و طرق حسی
احتمال اول: اراده راه‌های حسی خاص.

دلیل: ظاهر عنوان «رؤیت» در روایات این باب، مخالفت با ظن و رأی و تأکید بر راه‌های حسی در مقابل راه‌های حدسی است.

هر چند راه‌های حسی اکنون فعلاً به رؤیت نور ماه یا جرم آن منحصر است، امکان دارد راه‌های حسی دیگری نیز کشف شود. همان‌گونه که وسیله پیشرفته‌ای اختراع شده است که حرکت ماه و جایگاهش را به شکل عکس‌ها و رمزها یا نشانه‌ها و فرکانس‌هایی از طریق ماهواره‌ها یا ایستگاه‌های فضایی و همچنین چشم الکترونیکی منعکس می‌سازد. امروزه نیز از دوربین‌هایی به نام «DCC» استفاده می‌شود که دارای تراشه‌های کامپیوتری حساس به نور است. این دوربین با اتصال به رصدخانه، بعد از مدت کوتاهی، نور را - بر فرض وجود - منعکس می‌سازد، و همانند دوربین‌های معمولی عمل می‌کند. سپس با اتصال به کامپیوتر و بازخوانی اطلاعات ضبط شده بر تراشه، تصویر جسم نورانی بر صفحه نمایش، پدیدار می‌شود. اگر به فرض استفاده از این وسیله، رؤیت تصویر هلال بر صفحه کامپیوتر

با تقویت درجه نور - حتی در صورت تشخیص نور هلال از نور آسمان با کمترین درجه - میسر می شود، پس رؤیت تصویر هلال بر صفحه کامپیوتر با استفاده از دوربین «DCC» در حکم رؤیت با چشم است.

از راه های حدسی، قطعاً فقط راه های علمی که مبتنی بر محاسبات دقیق است معتبر است و شاید برخی از فرایندهای آن حسی باشد؛ همانند رصد کردن حرکت ماه پیش از دخول تاریکی با تلسکوپ، سپس انجام دادن برخی محاسبات در زمان بقای آن در تاریکی، یا کمک گرفتن از رصد حرکت جرم دیگری که ملازم با حرکت ماه باشد. همچنین ممکن است همه فرایندهای این راه ها حسی باشد.

پس بنا بر لحاظ رؤیت به صورت طریقی، ناگزیریم ثبوت هلال را با هر راه حسی، حتی با چشم الکترونیکی بپذیریم.

احتمال دوم: اراده مطلق راه های کاشف از هلال، چه حسی و چه حدسی. دلیل: مراد از تقابل میان «رؤیت» و «ظن» در روایات این باب، تقابل راه های علمی حسی یا حدسی دقیق محاسبات نجومی از آن جمله با راه های غیر علمی است.

احتمال دوم صحیح است؛ و اما پاسخ احتمال اول: مقصود، مقابله عنوان «رؤیت» با «ظن»، امور دیگری است از قبیل:

۱. تنجیز تکلیف - به افطار و روزه - بر مکلف، اگر هلال را ببیند هر چند دیگران آن را نبینند.

۲. نپرداختن به اوهام و بیهوده گویی ها و راه های غیر علمی و بی اعتبار نزد عقلا.

۳. توجه نکردن به گفته منجمان، که معمولاً مبتنی بر وسایل و ادوات ابتدایی و محاسبات غیر دقیق و اغلب با سخنان کاهنان در آمیخته بود.

بنابراین، اثبات هلال با محاسبات علمی نجومی دقیق، معتبر است بر خلاف

رؤیت با چشم مجرد که موجب اشتباهات زیادی است .

راه‌های علمی پیشرفته، همان راه‌های قطعی یا دست کم اطمینان آورند، مثلاً پیش‌بینی‌های علم نجوم در موارد تشخیص پدیده‌های خسوف و کسوف از جهت زمانی و موقعیت رؤیت از زمین، چه کلی و چه جزئی و مدت بقا و مجسم شدن و ... ؛ با کمترین اشتباه محقق می‌شوند .

البته، در باره چگونگی اطمینان به کل این داده‌ها گاه بحث‌هایی مطرح می‌شود؛ هر چند در گذشته مجال تردید در آنها بوده است، اما امروزه با پیشرفت‌های مهم علمی مجال این تردیدها نیست . فرض تحقق شک در برخی حالات ناگهانی، همچون حرکت ستاره‌ای که بر حرکت ماه تأثیر می‌گذارد، از موارد استثناست .

امروزه برنامه‌های کامپیوتری دقیق‌تری تهیه شده که می‌تواند وضعیت هلال و درجه نورش را در هر زمان و مکان، چه در حال و آینده و چه در گذشته، معین کند .

از آنچه گفته شد، روشن می‌شود که نگاه منفی به داده‌های علم نجوم درست نیست .

بحث در پرتو ادله و قواعد عامه

نکته اول: موضوعات احکام شرعی، ممکن است یکی از این حالات سه‌گانه را داشته باشد:

حالت اول: موضوعات اعتبار عرفی دارند؛ همچون «غنی» که موضوع برخی احکام، چون وجوب زکات فطره است و به منظور تعیین و تشخیص ثبوت و عدم آن، ناگزیریم به عرف مراجعه کنیم .

حالت دوم: موضوعات اعتبار شرعی دارند، همچون «نَسَب» که موضوع

برخی احکام است و برای تعیین ثبوت و عدمش ناگزیریم به شارع مراجعه کنیم؛ مثل اثبات فرزندى با اقرار پدر و نفى فرزند با لعان .

حالت سوم: موضوعات، طبيعى خارجى اند همچون صفت ذکوریت و انوئیت که برخی احکام، همانند تفاوت حصص ارث یا لزوم پوشش مترتب بر آن است . اگر در ماهیت شک شود که آیا از حالت دوم است یا اول، اصل مقتضى عدم است؛ زیرا شک در جعل و تشریح است، و اصل عدم است؛ مگر اینکه دلیلی خاص بر آن دلالت کند .

در این بحث نیز اگر شک کنیم که آیا هلال موضوع شرعى است یا طبيعى، بر حسب مقتضای قاعده باید بپذیریم که موضوعی طبيعى است .

نکته دوم: راه‌های اثبات موضوعات احکام شرعى، دو حالت دارد:

حالت اول: راه‌های خاصی که شارع معین کرده است .

حالت دوم: تعیین نکردن راه‌های خاصی از سوى شارع بر اثبات موضوعات احکام .

اگر شک کنیم که آیا شارع راه خاصی را تعیین کرده است یا نه، اصل مقتضى عدم است؛ مگر اینکه دلیلی خاص بر اعتبار راه خاص یا عدمش دلالت کند . در موضوع مورد بحث ما اگر در وجود راه‌های شرعى خاص جهت اثبات هلال شک کنیم، حکم به عدم می‌شود . علوم انسانی و مطالعات فقهی
نکته سوم: شارع از آن رو که احکام را تشریح کرده است، وظیفه ندارد موضوعات و کیفیت تحقق و چگونگی نیل مکلف به آنها یا راه‌های اثباتشان را تعیین کند؛ مگر در حالات استثنایی .

بنابراین، روش کلی شارع در مسئله هلال نیز همین است و بین راه‌های اثبات هلال و اثبات طهارت و نجاست و بین اثبات تذکيه و ... تفاوتی از این جهت نیست .

نتیجه

۱. موضوع رؤیت هلال، موضوعی طبیعی است نه اعتباری؛ یعنی خروج ماه از حالت تاریکی و منور شدن دوباره آن با نور خورشید.
 ۲. مراد از رؤیت هلال در روایات، مطلق رؤیت به همان مفهوم عرفی است؛ یعنی همان ادراک تصویر شیء با حس بینایی، بدون هیچ تفاوتی بین رؤیت با چشم مجرد یا با رصدخانه. بنابراین، ناگزیر از التزام به اثبات هلال، حتی با ایستایی بر لفظ «رؤیت» وارد در نصوص هستیم و این پایین ترین حد از مدلول ادله شرعی است.
 ۳. رؤیت در ادله به نحو طریقی آمده است نه موضوعی و هر راه حسی را که کاشف از تحقق ولادت هلال و نورانی شدنش باشد، حتی با چشم الکترونیکی در بر می گیرد.
 ۴. طریقیّت مورد نظر، مطلق است، نه در خصوص راه های حسی؛ پس راه های حسی و حدسی و تلفیق آن دو، همگی موضوع را احراز می کنند. بنابراین، در اثبات هلال، از اعتماد به محاسبات نجومی ناگزیریم.
 ۵. اختلاف در مبانی و کثرت فتواها، اسباب و عوامل عمیق و دقیقی دارد و باید تمام نظرها را تا وقتی که به توجیحات علمی و شرعی مستند است، از لحاظ نظری محترم شمرد؛ اما آثار و پیامدهای این مسئله شرعی در عرصه اجتماعی، توجیه آن را بر اساس اختلاف اجتهادی مشکل می سازد و انبوه سؤالات ایجاد شده در ذهن مؤمنان را پاسخ قانع کننده ای نمی دهد.
- بسیاری می پرسند ولادت هلال، امری طبیعی و ثابت است و پدیده ای نیست که بر حسب دیدگاه ها و نظریات متفاوت باشد، بلکه با محاسبات نجومی، می توان موقعیت آن را تعیین کرد. همچنین می توان امکان پذیر بودن یا نبودن رؤیت آن را با محاسبات مشخص کرد، زمان خروج ماه از حالت محاق را می توان به دقت محاسبه، و نقطه جغرافیایی را که دیدن هلال از آنجا امکان پذیر است معین کرد، پس علت این همه اختلاف در اثبات هلال چیست؟

۶. پیشرفت علمی در عرصه رصد و نجوم و ادوات مورد استفاده برای رؤیت، روز افزون است، تلسکوپ های پیشرفته امکانات گسترده و شگفت انگیز برای مشاهده اجرام آسمانی دارند، به خصوص پس از تحولاتی که در کیفیت محاسبات نجومی روی داده است، چرا از این داده های علمی و تکنولوژی جدید در جهت حل این معضل شرعی استفاده نمی شود؟

منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. احسائی، ابن ابی جمهور، عوالي اللثالی العزیزة فی الاحادیث النبویة، قم، مطبعة سید الشهداء، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ. ق (۱۹۸۳ م).
۲. ابن اثیر جزری، محمد، النهایة فی غریب الحدیث والاثر، المكتبة الإسلامیه، بی تا.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، دار الکتب العلمیة، بی تا.
۴. ابن منظور مصری آفریقایی، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار إحياء التراث العربی و مؤسسة تاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق (۱۹۹۶ م).
۵. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، بیروت، دار القومیة العربیة، ۱۳۸۴ هـ. ق (۱۹۶۴ م).
۶. اصبهانی، احمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الاصفیاء، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ پنجم، ۱۴۰۷ هـ. ق (۱۹۸۷ م).
۷. بخاری، إسماعیل بن إبراهیم، تاریخ الکبیر، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ. ق (۱۹۹۱ م).
۸. _____، صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۱ هـ. ق (۱۹۸۱ م).

- ۹ . بیهقی، احمد بن الحسين بن علی، السنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، بی تا.
- ۱۰ . ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بيروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۷۵ هـ. ق (۱۹۳۸ م).
- ۱۱ . جوهری، إسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربية، بيروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ. ق (۱۹۸۷ م).
- ۱۲ . حرّ عاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ. ق.
- ۱۳ . حکیم، محمد سعید، منهاج الصالحین، بيروت، دار الصفوة، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق (۱۹۹۴ م).
- ۱۴ . خویی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، انتشارات مدينة العلم، قم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ هـ. ق.
- ۱۵ . _____، موسوعه امام خویی (المستند في شرح العروه)، الصوم، مؤسسه احيای آثار امام خویی، ایران، چاپ سوم، ۱۴۲۸ هـ. ق (۲۰۰۷ م).
- ۱۶ . دارمی، عبد الله بن عبد الرحمان بن فضل بن بهرام، سنن الدارمی، بيروت، دار الفكر، بی تا.
- ۱۷ . راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ. ق (۱۹۹۲ م).
- ۱۸ . زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، دار مكتبة الحياة، ۱۳۰۶ هـ. ش.
- ۱۹ . شافعی، محمد بن إدريس، مسند امام شافعی، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
- ۲۰ . _____، الأم، بيروت، دار المعرفة، بی تا.
- ۲۱ . شیبانی، احمد بن حنبل، مسند امام احمد، بيروت، مؤسسة تاريخ العربی،

- چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ. ق (۱۹۹۱ م).
۲۲. صدر، محمد باقر، الفتاوی الواضحة، ج ۱، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، چاپ هشتم، ۱۴۰۳ هـ. ق (۱۹۸۳ م).
۲۳. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه اعلمی، چاپ سوم، ۱۳۹۳ هـ. ق (۱۹۷۳ م).
۲۴. عجیری، صالح، دورة الهلال، کویت، مکتبة العجیری، چاپ دوم، ۲۰۱۰ م.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ایران، مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۲۶. فیروز آبادی، مجد الدین محمد بن یعقوب، قاموس المحيط، بیروت، دار إحياء تراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ. ق (۱۹۹۱ م).
۲۷. فیاض، محمد إسحاق، منهاج الصالحین، قم، انتشارات مکتب آية الله فیاض، چاپ اول، بی تا.
۲۸. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۲۹. طباطبائی قمی، تقی، مبانی منهاج الصالحین، ایران، انتشارات مکتبة مفید، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۸۸ هـ. ق.
۳۱. مقدسی، عبد الله بن احمد، المغنی، بیروت، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ. ق (۱۹۸۴ م).
۳۲. مجله فقه اهل البيت (ع)، شماره های ۳۱ و ۴۰.
۳۳. نيسابوری، مسلم بن حجاج، صحيح مسلم، بیروت، دارالفکر.
۳۳. یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، زیر نظر جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ. ق.